

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۷

ادبیات تراجم‌نگاری در متون تاریخی عصر صفویه

(ص ۷۸-۵۵)

جهانبخش ثواقب^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

تراجم‌نگاری یا ادبیات شرح‌حال‌نویسی یکی از اشکال تاریخ‌نگاری اسلامی است و به بیان و شرح حال گروه‌های مختلف اجتماعی میپردازد. این شکل از تاریخ‌نگاری در دوره صفویه در مفهوم اصلی آن اندک است و مورخان رسمی کمتر به آن مبادرت کرده‌اند. با این وجود، در آثار نسب‌نامه‌نویسی، شرح‌حال‌نگاری، تذکره‌نگاری، ایل‌نگاری و تواریخ محلی این دوره آگاهیهای شرح‌حالی آشکارا آمده است. افزون بر اینها، در تاریخچه‌ها و تواریخ عمومی این عصر نیز میزان قابل‌اعتنایی از آگاهیهای تراجم‌احوال نام‌آوران و طبقات مختلف یافت میشود. از مجموع این آگاهیها میتوان تصویری از اصناف، طبقات و شخصیت‌های مختلف جامعه ارائه داد و نوعی تاریخ اجتماعی این دوره را بازسازی کرد. رویکرد متون تراجم تا پیش از صفویه بیشتر به سوی طبقات مذهبی بوده است. اما در دوره صفویه به همه طبقات مؤثر در درون یک دولت توجه شده است. در این مقاله، تراجم‌احوال و تطورات و رویکردهای آن در متون تاریخی عصر صفویه تحلیل شده و طبقات مختلفی را که مورد توجه قرار داده‌اند، دسته‌بندی و بررسی نموده است.

کلمات کلیدی: صفویه، متون تاریخی، تراجم‌احوال، رجال دولت.

^۱ دانشیار تاریخ دانشگاه لرستان jahan_savagheb@yahoo.com

۱. مقدمه

تراجم‌نگاری در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی و ایرانی مقوله‌ای دیرپا بوده و آثار متعددی توسط مورخان در این زمینه پدید آمده که از اعتبار و شهرت خاص برخوردارند. یکی از قالب‌های تاریخ‌نگاری عصر صفویه نیز تراجم احوال و تذکره‌ها است هر چند به مفهوم رسمی شرح حال‌نویسی تعداد این آثار اندک‌شمار است. با این حال در تواریخ محلی، نسب‌نامه‌ها و تذکره‌ها و تواریخ عمومی، سلسله‌ای و تک‌نگاری‌های این دوره آگاهی‌هایی در لابلای شرح وقایع درباره رجال سیاسی، نظامی، دیوانی، مذهبی، علمی، ادبی و هنری بدست می‌آید. بویژه تراجم احوال طبقات مختلف که در پایان سلطنت هر پادشاه یا به صورت ضمیمه، یا به گونه وفیات در آخر هر سال می‌آورند. از این رو، این دست آگاهی‌های رجالی که در گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری این دوره آمده، افزون بر اینکه کم‌شماری آثار تراجم‌نگاری را جبران میکنند، در شناخت وجوه فرهنگی، دینی و اجتماعی عصر صفویه نیز بسیار سودمند است.

هدف اصلی در این مقاله بررسی چگونگی طرح تراجم رجال در متون تاریخی (تواریخ رسمی) عصر صفویه و تبیین جایگاه آن در بینش مورخان این دوره است. آشنایی با این تراجم می‌تواند مبنایی برای بررسی و تحلیل مقوله‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی و به تعبیری وجوه تمدنی و شناخت هرچه بهتر نظام اداری و دیوانی دولت صفویه قرار گیرد. اساس این پژوهش بر طرح دو پرسش قرار دارد:

۱. جایگاه تراجم رجال در تواریخ رسمی صفویه چگونه بوده؟ آیا این نوع تواریخ اصولاً به تراجم رجال یا شرح حال‌نویسی پرداخته‌اند؟ ۲. رویکرد مورخان عصر صفویه به تراجم، در مقایسه با دوره‌های متقدم‌تر، چگونه بوده است؟

مفروض نخست پژوهش آن است که در تواریخ رسمی صفویه، تراجم‌نگاری هدف اصلی نبوده بلکه نگارش تاریخ عمومی و تاریخ سلسله صفویه با تأکید بر وقایع سیاسی و نظامی مورد توجه بوده است. اما در همین متون میزان قابل‌اعتنایی از آگاهی‌های تراجم احوال ارائه شده است. مفروض دیگر آن است که رویکرد تراجم‌نگاری تا پیش از صفویه، به طبقات مذهبی، عالمان حدیث و فقهای مذاهب به سبب اهمیت آنها در مقایسه با سایر طبقات جامعه، توجه داشته است. این رویکرد متأثر از نگرش مذهبی به امت اسلامی بوده است. اما در دوره صفویه با محوریت یافتن نوعی اندیشه دولت‌متمایز، به شرح حال همه طبقات مؤثر در دولت توجه شده است نه فقط طبقات مذهبی.

این پژوهش از نوع تاریخی و کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی (بررسی محتوا) با تکیه بر منابع اصلی دوره صفویه به انجام رسیده است. هرچند گیب (۱۳۶۱) مقاله‌ای در ادبیات شرح حال‌نویسی در اسلام نگاشته و لمبتن (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای اجمالی به همین موضوع در

ایران پرداخته، اما از آنجا که این موضوع در عصر صفویه مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته، مقاله حاضر که در نوع خود ابتکاری است، میتواند خلأ موجود در این زمینه را برطرف کند.

۲. تراجم‌نگاری در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی

تراجم (جمع ترجمان و ترجمه) به معنی تفسیر و شرح حال و ذکر سیرت و اخلاق و نسب کسی است (فرهنگ عمید: ص ۳۸۴). تراجم احوال از گونه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی است (غالباً به صیغه جمع به کار می‌رود) و منظور از آن، کُتبی است که به بیان و شرح حال اصناف مختلف عالم اسلامی می‌پردازد. کتابهای تراجم دو دسته است: ۱. تراجم عمومی، ۲. تراجم خاص. شیوه نگارش تراجم در تاریخ‌نگاری اسلامی گاه بر اساس زمان، گاه بر اساس بُلدان (شهرها)، گاه بر اساس اشخاص (مناقب‌نگاری)، گاه بر اساس «خودشرح‌حال‌نگاری» و گاه بر اساس حول‌نگاری است (علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، آئینه‌وند، ج ۱: ص ۳۲۴). نزدیک به تراجم، تذکره (جمع آن تذاکر) نیز به معنای کتابی است که در آن شرح احوال شاعران یا دانشمندان یا عارفان و مشایخ صوفیه نوشته شده باشد (فرهنگ عمید: ص ۳۸۳). تراجم و تذاکر علاوه بر شرح حال بزرگان، دربرگیرنده بسیاری از مطالب مهم تاریخی بوده و برای آشنا شدن با حقایق تاریخی دوره‌های مختلف بسیار سودمند است. در واقع تراجم‌نگاری در جامعه اسلامی متأثر از نگرش قرآنی به جایگاه و اهمیت پیامبران که موجب رواج سیره‌نگاری شد، ظهور یافت و سپس درباره خلفا، صحابه، تابعین و سلاطین در شکل شرح‌حال‌نویسی رایج شد. این مفهوم به تدریج گستره بیشتری را دربر گرفت و علاوه بر طبقات و افرادی که در حوادث جامعه اسلامی نقش‌آفرینی داشتند به سوی طبقات مذهبی به ویژه عالمان مذاهب فقهی و اعتقادی و محدثان، گرایش پیدا کرد. سپس شاعران، نویسندگان، مأمورین اداری، وزراء، دبیران، دانشمندان، فیلسوفان و پزشکان را دربر گرفت و معاجم تراجم احوالی درباره این گروه‌ها نوشته شد («ادبیات شرح حال‌نویسی در اسلام»، گیب: ص ۲۲۰-۲۱۹). از این رو در میان مسلمانان، کتابهای بیشماری در شرح حال گروه‌های مختلف به نگارش درآمد که در چند دسته قابل تقسیم‌بندی هستند: ۱. آثار اختصاصی درباره اصحاب پیامبر اسلام (ص)، ۲. شرح حال رجال در قالب تاریخ شهرها و تواریخ محلی، ۳. تاریخ محدثان به صورت طبقات، ۴. آثار اختصاصی عالمان یک مذهب خاص، ۵. مجموعه‌های بزرگ به ترتیب الفبایی از بزرگان اسلام، ۶. تاریخ رجال بدون ذکر تفصیلی افراد، ۷. کتابهای نَسَب دربرگیرنده شرح حال افراد (منابع تاریخ اسلام، جعفریان: ص ۲۹-۲۷). علاوه بر اینها، تواریخ عمومی ذیل حوادث هر سال، وفیات یا درگذشتگان را آورده که در جای خود با ارزش هستند.

۳. تراجم‌نگاری در عصر صفویه

تراجم احوال که از جمله قوالب تاریخ نگاری است در دوره صفویه در مفهوم اصلی خود اندک است و مورخان رسمی بطور مستقل کمتر به آن مبادرت کرده‌اند. با این حال این تراجم در چند زمینه قابل ردیابی است که به شرح زیر میتوان دسته‌بندی کرد:

۳-۱. نسب‌نامه‌نویسی

آثار نسب‌نامه‌ای درباره خاندان صفویه که به شرح حال این خاندان پرداخته و سعی در انتساب آنان به امام موسی کاظم (ع) داشته و بر سیادت و تشیع آنان تأکید نموده‌اند، مانند:

۱. صفوه‌الصفاء اثر درویش توکل بن اسماعیل بن حاجی اردبیلی مشهور به ابن بزاز (تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، اردبیل: نشر ناشر، ۱۳۷۳)، تحریر ابوالفتح حسینی به دستور شاه طهماسب اول که افزوده‌هایی در شرح حال برخی از افراد خاندان صفوی تا طهماسب را دربر دارد.
۲. سلسله‌النسب صفویه، اثر شیخ حسین بن شیخ ابدال پیرزاده زاهدی (برلین: چاپخانه ایرانشهر، ۱۳۴۳) در تاریخ زندگی شیخ صفی‌الدین و نسب‌نامه صفویه از فیروز زرین‌کلاه تا شاه سلیمان صفوی.

۳. **نسب‌نامه اعلیحضرت شاهي (نسب‌نامه صفویه)** تألیف محمدشفیع الحسینی اصفهانی (نسخه خطی، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۵۶۴۶)، نسب‌نامه صفویان از شاه سلیمان تا امام موسی کاظم (ع) و گزارشی از زندگی شاهان صفوی از شاه اسماعیل تا شاه عباس اول.

۴. صفوه‌الآثار فی اخبارالاخیار، تألیف عبدالکاظم محمد اردبیلی، در تبار صفویان که در روزگار فرمانروایی شاه سلطان حسین، در ۱۱۱۸ ه.ق. آن را به پایان برده است (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۱) ۲: ص ۱۲۷۰-۱۲۶۹. **مجموعه میراث اسلامی ایران**، دفتر سوم).

۵. سلطان‌الانساب از میرزا داود اصفهانی متخلص به داور (نسخه خطی، تهران: کتابخانه ملی، ش ۲۳۵۴)، از نزدیکان شاه سلطان حسین صفوی، که نژادنامه منظوم صفویان تا پیامبر (ص) است. ۶. دفتر وقفیه، رساله‌ای درباره شجره شیخ صفی از پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) و ائمه بعدی تا شیخ صفی و از او تا خواجه علی («باز هم صفویه»، کسروی: ص ۸۰۵-۸۰۳).

۷. تواریخ اسماعیلیه از مؤلفی ناشناس (نسخه خطی، حیدرآباد، موزه سالار جنگ، ش ۱۶۷)، در تاریخ دودمان صفویان از امام موسی کاظم (ع) تا شاه طهماسب اول صفوی (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۶: ص ۴۱۳۱).

۸. تاریخ سلاطین صفویه تألیف میرزا محمد معصوم تألیف ۱۰۸۸ ه.ق. (به سعی و اهتمام امیرحسین عابدی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱)، از شاه اسماعیل اول تا شاه سلیمان صفوی. نکته مهم در این اثر، ذکر تولد، جلوس، و وفات پادشاهان بر اساس شعر شاعران و ماده تاریخ‌ها است.

۳-۲. تذکره‌نگاری

۱. تذکره تحفه سامی اثر سام میرزا پسر شاه اسماعیل اول (تصحیح و مقدمه رکن‌الدین همایون‌فرخ، تهران: انتشارات علمی، بی‌تا)، مجموعه‌ای از زندگی‌نامه‌های شاعران نیمه اول سده دهم هجری همراه با شمه‌ای از حال شاه اسماعیل اول و اولاد و احفاد سلاطین معاصر وی، سادات و علما و وزراء و سایر ارباب قلم و دیگر گروه‌ها است.
۲. تذکره نصرآبادی از میرزا محمدطاهر نصرآبادی (تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸)، شامل شرح حال و آثار قریب هزار شاعر عصر صفوی و معاصران مؤلف، در یک مقدمه، پنج صف و یک خاتمه که در آن به ذکر امرا و خوانین و ملازمان پادشاه، سادات، نجبا، علما و فضلا، خوش‌نویسان، فقرا و درویشان، شعرای عراق و خراسان، ماوراءالنهر، هندوستان و شرح حال مؤلف و اقوام او پرداخته و در زمان شاه سلیمان صفوی تألیف شده است.
۳. تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفين اثر تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی (تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، ۷ ج، تهران: انتشارات اساطیر)، سرگذشت و گزیده اشعار ۳۴۹۲ شاعر فارسی‌زبان، از ادوار آغازین شعر فارسی تا عصر مؤلف است. این اثر در سال ۱۰۲۴ ه.ق. در هند بر اساس حروف الفبا در ۲۸ عرصه تدوین شده که هر عرصه به یک حرف اختصاص دارد. هر حرف شامل سه غرفه، غرفه اول در احوال و اشعار متقدمین، غرفه دوم در احوال و اشعار متوسطین، غرفه سوم در احوال و اشعار متأخرین. در آغاز کتاب، مقدمه‌ای مفصل در کلیات شرح احوال مؤلف آمده است.
۴. تذکره خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار اثر میر تقی‌الدین محمدبن شرف‌الدین علی حسینی کاشی متخلص به ذکری و معروف به میرتذکره (۱۰۲۲-۹۴۶ ه.ق.) (به اهتمام یوسف بیگ‌باباپور، ۳ ج، تهران: انتشارات سفیر اردهال، ۱۳۹۳ بر اساس مجموعه ۶ جلدی نسخه خطی ایندیا آفیس هند)، در شناخت احوال جمعاً ۶۵۱ تن از شاعران متقدم و متأخر عصر صفوی. بخش پایانی کتاب ترجمه احوال ۳۸۵ شاعر سده دهم هجری را دربر دارد که از دوازده اصل به شمارگان برجهای آسمانی تشکیل یافته است و هر یک به شاعران شهرها و نواحی مختلف ایران اختصاص دارد. بخشهایی از این تذکره شامل بخش کاشان (۱۳۸۴)، اصفهان (۱۳۸۶)، شیراز و نواحی آن (۱۳۹۲)، قم و ساوه (۱۳۹۲) به تصحیح مصححان مختلف در تهران از سوی میراث نشر مکتوب انتشار یافته است.
۵. جمع (مجمع) الخیار از قاضی احمد قمی در بیان احوال شاعران و نویسندگان آذربایجان و عراق و خوزستان (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۴: ص ۶۱۵).
۶. مجمع الشعراء و مناقب الفضلاء یا تذکره الشعراء اثر قاضی احمد قمی در شرح حال و آثار شعرا و هنرمندان بزرگ و خاتمه آن در ذکر حالات پادشاهان و شاهزادگان و امیران و ترکان (منابع و مآخذ تاریخ صفویه، ثواقب: ص ۶۲).

۷. هفت اقلیم تألیف امین احمد رازی (تصحیح و تعلیقات جواد فاضل، ۳ ج، تهران: انتشارات علمی و کتابفروشی ادبیه، بی‌تا)، از ادیبان سده دهم هجری قمری مشتمل بر احوال ۱۵۶۰ تن از شاعران، فضلا و سلاطین که در ۱۰۰۲ ه.ق. به پایان رسیده است.
۸. تذکره روضه السلاطین از سلطان محمد بن امیری هروی متخلص به فخری (تصحیح عبدالرسول خیامپور، تبریز، ۱۳۴۵)، تألیف سال‌های ۹۶۲-۹۵۸ ه.ق.، در هفت باب مشتمل بر زندگینامه ۸۶ تن از سلاطین و امرای شاعر که بعضی از آن‌ها نقاش و یا خطاط نیز بوده‌اند. هروی کتاب دیگری به اسم جواهرالعجایب در بیان حال ۲۵ تن از زنان شاعر تألیف کرده است. او همچنین ترجمه‌ای از مجالس‌النفایس میرعلی شیر نوایی به نام لطایف‌نامه با اضافات بسیار و افزودن مجلس نهم بر آن به فارسی روان ترجمه کرد که در این مجلس نام ۱۸۹ تن از شاعران را که نوایی نخستین آنان است یاد کرده (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۴: ۵۹۵، ۶۰۹-۶۱۰).
۹. تاریخ (تذکره الشعراء) تألیف میرقاسم موسوی سبزواری، منشی شاه طهماسب دوم که در احوال شاعران معاصر آن ایام نوشته شده است (منابع و مآخذ تاریخ صفویه، ثواقب: ص ۶۳).
۱۰. گلستان هنر از قاضی احمد قمی (تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: نشر منوچهری، ۱۳۶۶)، اثری هنری در شرح حال خوشنویسان و نقاشان.
۱۱. مجمع‌الخواص اثر صادقی بیگ افشار کتابدار (ترجمه از ترکی عبدالرسول خیامپور، تبریز: چاپخانه اختر شمال، ۱۳۲۷)، در شرح زندگی بعضی از نقاشان و خطاطان و مذهبیان به ترکی جغتایی در سال ۱۰۱۶ ه.ق. و شامل زندگینامه شاعران یک سده.
۱۲. میخانه تألیف عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی متخلص به نبی به سال ۱۰۲۸ ه.ق. (به اهتمام احمد گلچین معانی، چاپ پنجم، تهران: نشر اقبال، ۱۳۶۶)، در تراجم احوال شاعران متقدم و متأخری که ساقی‌نامه‌ای ترتیب داده بودند و نقل ساقی‌نامه‌های آنها.
۱۳. تذکره لطایف‌الخیال تألیف ملاشاه محمد بن محمدعارف دارابی شیرازی (درگذشت ۱۱۳۰ ه.ق.) (تصحیح یوسف بیگ باباپور، ۲ ج، قم: مجمع ذخایر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱) شامل شرح احوال و نمونه اشعار ۳۵۰ تن از شاعران ایران و هند از حافظ تا حسین قدسی کربلایی بر اساس نام شهرها.
۱۴. دو کتاب شاهد صادق^۱ و صبح صادق از میرزا محمدصادق مینا پسر میرزا محمدصالح اصفهانی حاوی آگاهی‌های ارزنده‌ای در تراجم رجال هستند. شاهد صادق تألیف ۱۰۵۴ ه.ق. حاوی جستارهای گوناگون دینی و علمی و ادبی و تاریخی و اخلاقی و تراجم احوال است. صبح صادق

تألیف ۱۰۴۸ ه.ق. در چهار مجلد که مجلد سوم آن حاوی تراجم احوال مردان بزرگ سیاست و علم و ادب تا سال تألیف کتاب است (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۴: ۵۹۷، ۶۳۳).
۱۵. نفائس المآثر از میرعلاءالدوله حسنی سیفی قزوینی متخلص به کامی در تذکره شاعران (همان: ۵۹۵).

۱۶. مآثر رحیمی تألیف میرعبدالباقی نهایندی متخلص به باقی تألیف ۱۰۲۵ ه.ق. (تصحیح محمدهدایت حسین، کلکته: بی‌تس مشن، ۱۹۲۰)، در تاریخ و رجال (پادشاهان، عالمان، شاعران، سرداران و هنرمندان) عهد مؤلف (تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین معانی، ج ۲: ص ۷۴۶).
۱۷. سلم السموات اثر شیخ ابوالقاسم انصاری کازرونی متخلص به قاسمی تألیف سال ۱۰۱۴ ه.ق. (تصحیح عبدالله نورانی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۷). بخشی از این کتاب در احوال برخی از شاعران و چکامه سرایان و حکیمان است و با عنوان مرقومه پنجم (به اهتمام یحیی قریب، تهران: علمی، ۱۳۴۰) انتشار یافته است.^۱

۳-۳. رجال‌نگاری

۱. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء از میرزا عبدالله افندی اصفهانی (ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶) در دو بخش شامل علمای خاصه مشتمل بر احوال رجال شیعه امامی و آثار علمیه و اجتماعی ایشان، و علمای عامه، به ترتیب حروف الفبا.
۲. مجالس المؤمنین، اثر قاضی ضیاءالدین نورالله بن سیدشریف شوشتری (۱۰۱۹-۹۵۶ ه.ق.) (تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۵) از عالمان بزرگ شیعی عصر صفویه، مشتمل بر زندگینامه رجال معروف شیعه که در مجلس هشتم آن زندگی‌نامه شهریاران شیعه و ۱۶ دودمان پادشاهان شیعه را آورده و ترجمه حال گروه بزرگی از دانشمندان و ۲۲ تن از شاعران را در خود دارد.
۳. منتخب‌الوزراء، اثری از قاضی احمد قمی (سده ۱۱ ه.ق.) در دو بخش که بخش اول آن شرح حال بعضی از وزرای معروف است (خلاصه‌التواریخ، ج ۱: مقدمه، ص شانزده).
۴. رساله‌الوزراء یا رساله توصیف‌الوزراء، تألیف آقا میرزا حبیب‌الله ابن میرزا عبدالله اصفهانی، رساله-ای فارسی در احوال وزراء سلاطین صفویه که درباره شرح حال، زندگی و ایام وزارت آنها آگاهی‌هایی به دست می‌دهد («دربارة رساله‌الوزراء»، دانش‌پژوه: ۵۶۰-۵۵۹. ریاض‌العلماء، ج ۱: مقدمه، ص ۳۸-۱).

۳-۴. ایل‌نگاری

۱. در این موارد همچنین نگ. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۴: صص ۵۹۴-۵۹۷ و ۶۰۱-۶۴۲. برای آگاهی از تذکره‌های بیشتری از این دست، نگ. تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین معانی، ج ۲).

۱. تاریخ قزلباشان، از مؤلفی ناشناس (به اهتمام میرهاشم محدث، تهران: انتشارات بهنام، ۱۳۶۱) در معرفی طوایف مختلف قزلباش حامی صفویه تألیف بین سال‌های ۱۰۷۷ و ۱۰۱۳ ه.ق. در عصر شاه عباس اول. در این اثر، قزلباشان به دو قسمت، طوایف دست راست (شاملو، روملو، آق قویونلو، تکلو، ترکمان، قراقویونلو، ورساق) و دست چپ (استاجلو، ذوالقدر، افشار، قاجار) تقسیم شده و در هر قسمت به اختصار، خوانین و امرا و حکام برجسته طوایف معرفی شده است.

۲. شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، اثر شرف خان بدلیسی (به اهتمام ولادیمیر ولیامنیوف زرنوف، ج ۲ در یک مجلد، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷)، در تاریخ قبایل چادرنشین کرد و خاندان‌های کردی از ۶۸۹ تا ۱۰۰۵ ه.ق.

۳. رساله «کیفیت جمع مال‌گذاری و جمعیت مملکت ایران در عهد شاه سلطان حسین صفوی» که در سال ۱۱۲۸ ه.ق. به اهتمام میرزا محمدحسن مستوفی‌الممالک تخمین شده و در اوایل سده چهاردهم نگارش یافته (کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۲، صص ۳۸۸-۳۸۶، محفوظ در مرکز احیاء میراث اسلامی قم، کد ۷۳۰) در چهار باب، ابتدا به تعیین سرحدات ایران پرداخته سپس تفصیلی از ایلات ایران به دست داده است. نویسنده ایلات ایران را به دو دسته عمده: ایلات ایرانی-الاصل و ایلات سکرولی که از خارج مملکت ایران از عهد پادشاه کیان تا صفویه به ایران آورده شده تقسیم میکند. سپس در هر دو دسته به ذکر طوایف آنها پرداخته است.

۳-۵. خاندان‌نگاری

۱. تاریخ خانی تألیف علی ابن شمس‌الدین ابن حاجی حسین لاهیجی (تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲) در خاندان آل کیا.

۲. تاریخ خاندان مرعشی مازندران یا تاریخ میرتیمور تألیف میرتیمور مرعشی (تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴) درباره افراد خاندان مرعشی مازندران (از ۸۸۱ تا ۱۰۷۵ ه.ق.).

۳. تاریخ مشعشعیان، اثر سیدعلی فرزند عبدالله خان مشعشعی (نسخه خطی، تهران: کتابخانه مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی مطهری)، ش ۱۵۱۳) که در زمان صفویان حکومت حویزه را داشته، در سرگذشت خود و نیاکانش این کتاب جُنگ مانند را نگاشته است.

۴. تاریخ سلجوقیان کرمان از محمد بن ابراهیم (تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات کتابفروشی طهوری، ۱۳۴۳) وابسته به سادات خبیص و از سلجوقیان کرمان که تاریخ اجداد خود را به نگارش درآورده است در ۱۰۲۵ ه.ق.

۵. فوایدالصفویه تألیف ابوالحسن قزوینی (در ۱۲۱۱ ه.ق.) (تصحیح مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷) که علاوه بر ذکر پادشاهان صفوی از اسماعیل تا

سلطان حسین، به تاریخ سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط دولت صفویه (در ۱۱۳۵ ه.ق.) می‌پردازد.

۶. مجمع‌التواریخ تألیف میرزا محمدخلیل مرعشی صفوی (در ۱۲۰۷ ه.ق.) (تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران: کتابخانه طهوری و کتابخانه سنایی، ۱۳۶۲) که مؤلف علاوه بر شرح انقراض صفویه و وقایع پس از آن، به شرح حال خاندان خود بویژه سید احمدشاه مرعشی و شاه سلیمان ثانی به تفصیل پرداخته است.

۷. زبور آل داود تألیف سلطان هاشم میرزا پسر شاه سلیمان ثانی (در اوایل سده ۱۳ ه.ق.) (تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹)، نَسَب‌نامه و ذکر مجملی از احوال اجداد سادات مرعشی و شرح روابط و مناسبات آن‌ها با سلسله صفویه است.

۳-۶. مزارنویسی و وفیات‌نگاری

۱. تاریخ راقم تألیف میرسید شریف راقم سمرقندی در سال ۱۱۱۳ ه.ق. (به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۸۰) شامل وقایع از سال ۷۳۶ تا ۱۰۵۴ ه.ق. دربرگیرنده وقایع مشهور تاریخی بویژه وفیات مشاهیر بالاخص مشاهیر خراسان و ماوراءالنهر و بخارا و سمرقند و آن نواحی.

۲. تذکره‌الاولیاء محرابی یا مزارات کرمان از سعید متخلص به محرابی مشهور به خطیب تألیف سال ۹۲۵ ه.ق. (به اهتمام حسین کوهی کرمانی و به راهنمایی و مساعی محمدهاشم کرمانی، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۳۰) دربرگیرنده مقابر و بقاع معروف کرمان و شرح حال عرفای این شهر.

۳. روضات‌الجنان و جنات‌الجنان در باب مقابر تبریز تألیف حافظ حسین یا درویش حسین تبریزی معروف به ابن کربلایی، تألیف ۹۷۵ ه.ق. (مقدمه و تکمله جعفر سلطان‌القرایی، ۲ ج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ۱۳۴۹)، در ذکر جماعتی از اهل عرفان و تصوّف که در مقابر تبریز مدفون بوده‌اند.

۴. وقایع‌السنین والاعوام از سید عبدالحسین الحسینی خاتون‌آبادی (تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲) از مورخان و فضلالی بزرگ اصفهان معاصر با شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه.ق.). این کتاب «مجموعه‌ای است مشتمل بر تواریخ فوت و موت اعیان و مشاهیر و معارف اهل روزگار از ابتدای خلقت حضرت آدم تا زمان ۱۰۹۹ ه.ق. که زمان تحریر کتاب است» (وقایع‌السنین والاعوام: ص ۲) و محتوی بر سه مقصد است. در سه فصل آخر مقصد سوم حوادث دوران صفویه را با ذکر ماه و سال از منابع متقدم و مشاهدات شخصی خویش آورده است. حوادث سالهای ۱۱۰۰ تا ۱۱۹۳ ه.ق. را فرزندان مؤلف بر آن افزوده‌اند که ذیلی است بر این کتاب.

۳-۷. شرح حال‌نگاری

۱. تذکره شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تصنیف محمدالکاتب نشاطی شیرازی در سده دهم هجری (ترجمه داود بهلولی، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۸) در احوال شیخ صفی از تولد تا وفات و شامل حکایات و روایاتی از کرامات و اندیشه‌های عارفانه و صوفیانه او. مجموعه دیگری از کلمات، نصایح و مناقب شیخ صفی‌الدین اردبیلی به زبان فارسی و ترکی به نام قارا مجموعه (تدوین حسین محمدزاده صدیق، برگردان داود بهلولی، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۵) فراهم آمده و منتشر شده که در تراجم احوال وی قابل ذکر است.

۲. عالم‌آرای شاه اسماعیل از مؤلفی ناشناس (در ۱۰۸۶ ه.ق.) (تصحیح و تألیف اصغر منتظرصاحب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴) که شرح تفصیلی زندگانی شاه اسماعیل اول صفوی است. تاریخ عالم‌آرای صفوی (به کوشش یدالله شکری، تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳) ظاهراً تحریر دیگری از آن است که موجود می‌باشد.

۳. تاریخ جهانگشای خاقان از مؤلفی ناشناس (مقدمه الله‌داتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴) دربرگیرنده شرح حال و وقایع شاه اسماعیل اول (ظاهراً بین سال‌های ۹۴۷ تا ۹۵۵ ه.ق.) مشابه اثر پیش است. شاید یک اثر با عناوین مختلف باشند.

۴. تذکره شاه طهماسب صفوی (مقدمه امرالله صفری، تهران: انتشارات شرق، ۱۳۶۳)، که در واقع شرح حال این پادشاه از روز جلوسش (۱۹ رجب ۹۳۰ ه.ق.) تا واقعه تسلیم شاهزاده عثمانی بایزید که به دربار وی پناهنده شد (در ۹۶۹ ه.ق.) به قلم شاه طهماسب دومین پادشاه صفوی است.

۵. عالم‌آرای شاه طهماسب از نویسنده‌ای ناشناس (به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۰) درباره زندگی دومین پادشاه صفوی به شیوه نقلی.

۶. شرح حال رستم خان، از بیجن (بیژن) نامی ملقب به تاریخ صفویه‌خوان، در سرگذشت رستم‌خان گرجی فرمانده سپاه ایران در جنگ‌های ایران و عثمانی (ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، برگل، ج ۲: ص ۸۹۶. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۶: ص ۴۳۴۲).

۷. فتوحات فریدونیه از محمدطاهر فرزند حسن خان بسطامی (تصحیح سعید میرمحمدصادق و محمدنادر نصیری مقدم، تهران: نشر نقطه، ۱۳۸۰)، در سرگذشت فریدون‌خان چرکس غلام خاصه شاه عباس و در تاریخ جنگ‌های او (بیست فتح درباره جنگ‌های مختلف خان و پیروزی‌های او).

۸. تحفه‌العالم در اوصاف و اخبار شاه سلطان حسین صفوی، تألیف سیدابوطالب موسوی فندرسکی (در ۱۱۰۷-۱۱۰۶ ه.ق.) (به کوشش رسول جعفریان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸).

۳-۸. تاریخ‌نویسی محلی

تواریخ محلی که علاوه بر اطلاعات جغرافیایی و تاریخی، رجال‌نگاری و شرح‌حال‌نگاری آنها بخش مهم این تواریخ را تشکیل می‌دهد، هرکدام به شرح حال رجال و مشاهیر و خاندانهای حکومتگر آن

ناحیه میپردازند. زیرا این تواریخ در عصر صفویه بیشتر صبغه سیاسی داشته و به حاکمان محلی پرداخته‌اند. آثاری چون:

۱. تاریخ گیلان، تألیف عبدالفتاح فومنی (تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹) در احوال حکام محلی گیلان در عصر صفویه (۱۰۳۸-۹۲۳ ه.ق.). شرح و بسط بیش-تری از این اثر فومنی با عنوان فتوحات دارالمرز (شاه عباس) (نسخه خطی، کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۱۶۷) موجود است.

۲. تاریخ مازندران تألیف ملاشیخعلی گیلانی (تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۴) در احوال حکام محلی مازندران.

۳. تذکره صفویه کرمان اثر میرمحمدسعید مشیزی (بردسیری) (مقدمه و تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم، ۱۳۶۹) درباره حکام و وزرای کرمان و سایر کارگزاران دولتی، سادات، نجبا، ارباب قلم، خطباء و اطباء، خوشنویسان و دیگر مقامات کرمان در سده یازدهم، با ذکر وقایع از سال ۱۰۶۲ تا ۱۱۰۴ ه.ق.

۴. صحیفه الارشاد تألیف ملامحمد مؤمن کرمانی (تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۴) درباره افشارهای کرمان در عصر صفویه.

۵. احیاء الملوک تألیف شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد سیستانی (تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۸۳) در تاریخ سیستان و حکام سیستان از قدیمترین دوره‌ها تا ۱۰۲۸ ه.ق.

۶. فردوس در تاریخ شوشتر و برخی مشاهیر آن، تألیف علاءالملک حسینی شوشتری مرعشی (تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲) که بر سادات و مشاهیر شوشتر تأکید دارد.

۷. ریاض الفردوس خانی تألیف محمد میرک بن مسعود حسینی منشی در سال ۱۰۸۲ ه.ق. (به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵) در تاریخ فارس و کوه‌گیلویه و خوزستان که افزون بر حکام و امرای این نواحی در خاتمه فصلی در معرفی سادات و مشایخ و شاعران این بلاد دارد و سی و یک تن از این بزرگان را به طور فشرده یاد کرده است (همان: ص ۴۷۰-۴۶۳).

۸. تذکره شوشتر تألیف سیدعبدالله بن سید نورالدین حسینی جزایری شوشتری (تصحیح خان بهادر مولی‌بخش و محمد هدایت حسین، کلکته: بیپتس مشن پریس، ۱۳۴۳) در تاریخ شهر، دانشمندان و سادات مشهور (مرعشیه)، شاعران و حکام شوشتر از سال ۹۳۲ تا ۱۱۶۶ ه.ق.، هرچند تألیف آن پس از سقوط صفویه (۱۱۳۹-۱۱۶۷ ه.ق.) بوده است.

۹. جامع مفیدی تألیف محمد مفید مستوفی یزدی باقی (به کوشش ایرج افشار، دوره سه جلدی جلدی، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵) در تاریخ یزد در سه مجلد که جلد سوم آن در احوال دیوانیان، وزراء، مستوفیان، کلانتران، سرایندگان و هنرمندان، قاضیان، فقیهان و سادات، منجمان، خوشنویسان، پزشکان و... است و دربرگیرنده تراجم احوال طیف وسیعی از رجال یزد در عصر صفویه است.

۱۰. رساله‌ای در احوال و مفاخر و مناقب قم از قاضی احمد قمی (خلاصه‌التواریخ، ج ۱: مقدمه، ص شانزده).

۴. تراجم احوال در تواریخ رسمی صفویه

همانگونه که اشاره شد، تاریخچه‌ها و تواریخ عمومی و سلسله‌ای عصر صفویه در لابلای وقایع و یا در پایان هر سال در ذکر وفیات یا با آوردن فهرستی مجزا، آگاهی‌هایی درباره رجال به دست داده‌اند. اگرچه هدف اصلی مورخان از نگارش این آثار، تراجم‌نگاری نبوده بلکه تاریخ‌نگاری رسمی، سیاسی- نظامی، سبک غالب در تاریخ‌نگاری این دوره بود. مسائل عمده مورد توجه مورخان عصر صفوی، موضوعات سیاسی، نظامی و مذهبی با تکیه بر مبانی مشروعیت الهی حکومت، بود و علت این توجه نیز توجیه و تطبیق مبانی حکومت صفوی براساس عقاید مذهب شیعه بود. توجه به هویت ایرانی به لحاظ استقلال سیاسی و تشیع به عنوان مبانی فکری و استقلال مذهبی از ویژگی‌های بارز تاریخ‌نگاری عصر صفوی بود (اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، آرام: ص ۱۶). تا زمان شاه عباس اول، مهمترین نوع تاریخ‌نویسی، تألیف تاریخ‌های عمومی بود، اما در دوره شاه عباس بیشتر تاریخ سلسله‌ای معمول شد. بدون تردید تثبیت سلسله صفوی و استقرار سیاسی آن به این روند کمک کرده است. (تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، کوپین: ص ۳۴-۳۱).

در دیباچه‌های تواریخ عصر صفوی دیدگاه‌های مورخان درباره مشروعیت سیاسی و مذهبی صفویان به گستردگی ارائه شده است. مورخان صفوی تا زمان شاه عباس و در دوره سلطنت او تاریخ بنیانگذاران دولت صفوی و خاستگاه صفویان را بازنویسی کردند. این امر نشان‌دهنده آن است که صفویان توجهی ویژه به پیشینه خود داشتند. همه مورخان صفوی دست کم یک شجره‌نامه از خاندان صفوی و طریقت صوفی آن را در اثر خویش گنجانده‌اند. صفویان کوشیدند با طرح انتساب خویش به ائمه شیعه، خود را از همتایان عثمانی و هندی خویش متمایز کنند (همان: ص ۴۳، ۷۱، ۹۴). هرچند کسروی در اثر خود شیخ صفی و تبارش (۱۳۷۹) با ارائه ادله‌هایی این شجره‌نامه را حداقل در بخشی از آن، ساختگی می‌داند.

در تواریخ رسمی عهد صفویه، ارائه مطالب شرح حالی شکل یکسانی ندارد. خواندمیر در حبیب‌السیر که وقایع آن تا سال ۹۳۰ ه.ق/۱۵۲۴ م. ادامه یافته، در پایان هر سلطنت، تراجم احوال رجال عمدتاً سادات، علما، فضلا، شیوخ، صدور و وزرا را آورده است. او در جلد چهارم که حوادث بخشی از

تیموریان تا صفویه را دربر گرفته، به این رجال در دوره تیمور، میرزا ابوالقاسم، ابوسعید، سلطان- حسین بایقرا و سپس شاه اسماعیل صفوی پرداخته است (حبیب‌السیر، ج ۴: ص ۴-۲، ۶۲-۵۸، ۱۱۰-۱۰۲، ۳۲۱-۳۲۰، ۳۳۳-۳۲۸، ۳۶۳-۳۳۳). درباره صفویان ابتدا گفتاری در بیان شمه‌ای از نسب آنها از امام موسی کاظم(ع) تا شیخ صفی آورده، سپس شرح احوال شیخ صفی و آنگاه تفصیل وقایع شاه اسماعیل اول را نگاشته است (همان: ص ۶۰۴-۴۰۹). در پایان فهرستی از سادات و علما و اشراف (تعداد ۵۰ نفر) که بعضی از ایشان با سلاطین آق‌قویونلو و گروهی در ایام شاه اسماعیل حضور داشته و «اکتساب فضل و کمال» می‌نموده‌اند، با شمه‌ای از شرح حال آنها ارائه کرده است (همان: ص ۶۱۸-۶۰۳). علاوه بر این، در بیان وقایع تاریخی بشرح احوال رجال متعددی از این دوره پرداخته است.

گزارش قزوینی درباره شاه اسماعیل آنچنان به اجمال آمده که فرصت پرداختن به تراجم احوال نیافته است جز همان مختصر درباره اجداد وی (لب‌التواریخ: ص ۲۷۱-۲۶۱) و ذکر فرزندان او و فرزندان پسرش بهرام میرزا در آخر حوادث (همان: ص ۲۹۰) و برخی عزل و نصبها و به حضور رسیدن افراد و نام بردن از رجال در متن وقایع.

امینی هروی که در سال ۹۲۷ ه.ق. به دستور شاه اسماعیل صفوی مأموریت یافت تا وقایع دوره صفویه خاصه عصر این پادشاه را به نگارش درآورد، غیر از مقدمه کتاب که گفتاری در حسب و نسب خاندان صفوی از شرح احوال شیخ صفی، شیخ صدرالدین، شیخ خواجه علی، شیخ صدرالدین ابراهیم، سلطان جنید، سلطان حیدر، ذکر احوال فرزندان حیدر، احوال سلطان علی و سرانجام بیان عروج شاه اسماعیل است (فتوحات شاهی: ص ۷۳-۱)، بقیه گفتارهای وی شرح فتوحات شاه اسماعیل در جنگهای خود با حکام مختلف گوشه و کنار کشور و برخی از سلاطین همسایه است (همان: ص ۳۶۸-۱۱۲). طبیعی است که آگاهیهای رجالی وی درباره همین افراد است که از رجال حکومتگر بوده‌اند. هرچند به تناسب مقال از بزرگانی چون امیرنجم‌الدین مسعود زرگر، امیر یاراحمد اصفهانی وزیر، محمدبیگ استاجلو امیر دیوان تواجی، خواجه کمال‌الدین محمود وزیر، شیخ‌الاسلام احمد تفتازانی، خواجه سیف‌الدین مظفر، امیر نجم‌الدین مسعود ثانی (همان: ص ۲۸۰، ۳۱۴، ۳۵۰، ۳۶۸، ۳۷۸، ۳۹۳ و...) و کسانی دیگر، سخن به میان آورده است. اما فاقد وفیات‌نویسی و فصل اختصاصی به تراجم احوال رجال است.

دراین میان، گزارش خورشاه ایلچی نظام‌شاه، که در سال ۹۵۲ ه.ق. از جانب برهان‌شاه و شاه‌طاهر دکنی در مقام سفارت به همراه هیأتی رهسپار ایران شده و به حضور شاه طهماسب رسیده، متفاوت از دیگران است. وی به بسیاری از حوادث، شورشها، درگیریها و اختلافاتی که شخصیت‌ها و رجال عصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب در آن دخیل بوده و برخی لشکرکشی‌های این دو پادشاه به نواحی مهم و وفات برخی از اعضای خاندان سلطنتی و حالات برخی رجال در لابلای گزارشها، توجه

کرده و شمه‌ای درباره آنها بیان کرده است. او نَسَب شاه اسماعیل را در پایان حوادث مربوط به وی آورده و اولاد او را (۴ پسر و ۳ دختر) نیز همانجا ذکر کرده است (تاریخ ایلچی نظامشاه: ص ۸۳-۸۱). نکته مهم و متفاوت اینکه خورشاه فهرست تراجم احوالی از حکام نواحی مختلف ایران و هندوستان معاصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب آورده که در جای خود بارزش است و برای آشنایی با حکام نواحی زیر و نَسَب آنها، آگاهیهای سودمندی را در اختیار قرار میدهد: حکام طبرستان، شروان-شاهان، حکام گیلانات، حکام مازندران، حکام رستمدرار، سادات هزارجریب، سلاطین عثمانی، سلاطین هندوستان مشتمل بر سلاطین دهلی، سلاطین غوری، سلاطین افغانی دهلی، سلاطین خلجی، سلاطین گجرات، سلاطین دکن (همان: ص ۳۲۰-۲۰۳).

حسن بیگ روملو که در اثر خود احسن‌التواریخ وقایع را سال به سال (به صورت سال‌شمار) شرح داده، در پایان وقایع هر سال، اطلاعات مبسوط و پرارزشی را در تذکره حیات رجال سیاسی و فقها و دانشمندان و شاعران که در آن سال وفات یافته‌اند آورده که خود نوعی تراجم رجال از نوع وفیات است. وی حوادث دوره صفویه مربوط به سلطنت سه نفر نخستین از شاهان صفویه (شاه اسماعیل اول، شاه طهماسب اول و شاه اسماعیل ثانی) را در فاصله سالهای ۹۰۵ تا ۹۸۵ ه.ق. آورده (تاریخ-نگاری عصر صفویه، ثواقب: ص ۳۵-۳۲) و شیوه نقل وفیات در پایان هر سال را از آغاز تا انتها با عنوان «متوفیات» رعایت کرده که جمع‌آوری یک جای این موارد در مدت هشتاد سال از تاریخ صفویه، خود یک اثر در وفیات این دوره را فراهم مینماید. با یک شمارش از متوفیات این دوره هشتاد ساله (صرف نظر از دوره‌های پیش از صفویه که در این اثر آمده)، تعداد ۵۴ تن از بزرگان سیاسی، مذهبی، ادبی و هنری این دوره از ایران (و تعدادی از سلاطین عثمانی و هند و ماوراءالنهر) شرح داده شده است (احسن‌التواریخ، ج ۲: ص ۱۲۰۴-۹۵۲ و ۱۵۴۰-۱۲۱۴ پایان هر سال). افزون بر این در نقل وقایع سیاسی و نظامی، بسیاری از رجال صاحب‌منصب سده دهم هجری مطرح شده و ضمن نقل حوادث، شرحی از خدمات و کارکردها و مسئولیت آنها به دست داده شده و عزل و نصبهای رجال در هر سال با عنوان «وقایع متنوعه» آمده که در کنار وفیات، تراجم احوال این رجال را میتوان تدوین کرد.

روملو از فرزندان در قید حیات شاه اسماعیل پس از مرگ شاه، چهار پسر (شاه طهماسب، سام میرزا، القاس میرزا، ابوالفتح بهرام میرزا) و پنج دختر (خانم، پریخان خانم، مهین بانو سلطانم، فرنگیس و شاه زینب خانم) نام برده (همان، ج ۲: ص ۱۱۳۴) و از فرزندان شاه طهماسب اول، دوازده پسر که نه تن از آنان هنگام مرگ شاه در قید حیات بودند، و هشت دختر نام برده است (همان، ج ۳: ص ۱۵۳۳-۱۵۳۲). روملو به مناسبت ذکر وفات مولانا سلطانعلی از خطاطان عصر صفوی در سال ۹۱۹ ه.ق. مبحثی را درباره پیدایش و انواع خط و خوشنویسان مشهور در دوره‌های تاریخی و سپس

خوشنویسان عصر صفویه مطرح کرده و فهرستی شامل ۳۳ نفر ارائه داده است (همان: ص ۱۰۷۹-۱۰۷۶).

در کتاب جواهرالخبار بوداق منشی قزوینی (تاریخ عمومی از آغاز آفرینش تا ۸۴۰ ه.ق.) اگر چه فصل مستقلی در تراجم احوال نیامده اما در میان حوادث به تناوب به «احوال» بسیاری از رجال و وزرا و عالمان پرداخته و شرحی از زندگی آنان بدست داده است. مؤلف این اثر در گزارشی که به اجمال از احوال سلاطین صفویه ارائه داده خود نوعی تراجم احوال این خاندان است که از فیروز زرین کلاه تا شاه اسماعیل دوم به قلم آورده (جواهرالخبار: ص ۱۱۸-۹۹، ۱۴۷-۱۴۱، ۲۴۶-۲۳۸) و این نَسَب‌نامه را با غرض «نشر مناقب سلاطین صفویه و حیدریه» شرح داده که آنها چگونه بر سریر سلطنت قرار گرفته‌اند (همان: ص ۱۰۲).

در این کتاب، در شرح وقایع تاریخی، عزل و نصب صاحب‌منصبان، حکام محلی ایالات، وفیات یا قتل رجال، احوال علما و صدور و وزرا و مستوفیان، بیان احوال و صفات پادشاهان صفوی و اعضای خاندان سلطنت (به ویژه سام میرزا، القاس میرزا، بهرام میرزا و ...) درگیری‌های طوایف قزلباش، حتی «احوال مؤلف بوداق منشی»، نوعی «احوال‌نویسی» یا همان تراجم احوال رقم خورده که آگاهی‌های سودمندی درباره رجال و بزرگان عصر صفوی به دست می‌آید. نگاهی به عناوین مطالب کتاب که غالباً با لفظ «احوال» آمده بیانگر این رویکرد تراجم‌نویسی مؤلف است. در احوال طایفه قراقویونلو و آق‌قویونلو عمده مباحث را با عنوان «احوال» آورده است. برای نمونه: احوال قرايوسف، احوال شاه محمد و امیراسبان، احوال میرزا اسکندر، احوال حسنعلی بن جهان‌شاه (همان: ص ۷۲-۶۳). در دوره آق‌قویونلو، احوال حسن‌بیک، احوال قاضی عیسی صدر و... (همان: ص ۹۷-۷۳). به همین نحو در دوره صفویه.

دیباچه امیر محمود خواندامیر بر کتاب خویش که دربرگیرنده تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی تا سال ۹۵۷ ه.ق. است خود تراجم احوال خاندان صفوی از شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا شاه اسماعیل اول است (تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی: ص ۳۹-۳). نیز گفتارهای پراکنده او در لابلای وقایع تاریخی درباره شخصیت‌ها و رجال دوره سلطنت شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی و ذکر حکایاتی از زندگی آنان و بیان متوفیات آن دوره، مجموعه‌ای از تراجم رجال سیاسی، نظامی و مذهبی عصر صفویه را بدست می‌دهد.

آگاهی‌هایی که عبدی‌بیگ شیرازی درباره سلاطین معاصر شاهان صفویه در سده دهم هجری به دست داده عمدتاً یک شرح‌حال‌نویسی مختصر از این سلاطین بوده بدون اینکه از وقایع سیاسی - نظامی آنها سخن به میان آید. از این رو، این بخش از کتاب تکمله‌الخبار در واقع تراجم احوال اجمالی سلاطین روم، مصر، حجاز، عراق عرب، دیاربکر و موصل، شروان، گیلان، مازندران، طبرستان،

خوزستان، لرستان، لار، هرموز، گورکانیه خراسان، خوانین ترک و ترکستان، ماوراءالنهر، خوارزم و... است (تکمله‌الخبار: ص ۱۶۴-۱۳۳).

تاریخ جهان‌آرای قاضی احمد غفاری قزوینی که در بیان احوال انبیاء و سلاطین عالم از پیش از اسلام تا دوره صفویه است عملاً ذکر این همه سلسله‌ها در ۲۵۷ صفحه آن را به یک تراجم رجال تبدیل کرده که اخبار بسیاری از این سلسله‌ها به ذکر اجمالی امرای آنان اکتفا شده است. در نسخه سوم کتاب که در احوال سلاطین صفویه است، ابتدا به بیان شمه‌ای از حال اجداد شاه اسماعیل از فیروز زرین کلاه تا سلطان علی فرزند حیدر میپردازد (تاریخ جهان‌آرا: ص ۲۶۳-۲۵۸)، آن‌گاه حوادث زمان شاه اسماعیل به بعد را با ذکر سنوات از سال ۹۰۵ ه.ق. تا ۹۷۲ ه.ق. به اجمال در ۵۲ صفحه شرح داده است (همان: ص ۳۱۰-۲۶۴). غفاری در این گزارش‌های اجمالی بیشتر به ذکر عزل و نصب‌های رجال در مناصب دیوانی و امارت ولایات و نیز به عالمان دینی به ویژه در منصب صدارت و قضاوت پرداخته و اسامی کسان زیادی را در این دوره حدوداً هفتاد ساله مطرح کرده است.

غفاری در تاریخ نگارستان که در نوادر حالات خلفاء و ملوک اسلامی و غیرهم از سده اول تا سده دهم هجری (تا آغاز صفویه) به رشته تحریر درآورده، چون قصد عبرت‌افزایی داشته ناگزیر به ذکر افرادی که در کانون ظهور این اخبار بوده‌اند پرداخته است. از این رو کتاب را به تراجم احوالی از شخصیت‌های تاریخی نُه سده ایران و اسلام تبدیل کرده و حکایات مربوط به این شخصیت‌ها را از منابع متعدد تاریخی جمع‌آوری و در قالب وقایع، بدایع، نوادر، غرایب، حکمت، تمثیل، حکایت عرضه نموده است. اگرچه موضوع این کتاب، دوره صفویه را دربر نگرفته است.

قاضی احمد قمی نیز در بسیاری از بخش‌های کتاب خود (تألیف ۹۹۹ ه.ق.) گزارش‌های مفصلی درباره علما و هنرمندان، علاوه بر رجال سیاسی و نظامی که در متن وقایع آمده، ارائه داده که معمولاً این گزارش‌ها به مناسبت مرگ یک شخصیت آمده است. بویژه نام و شرح حال مختصر علمای شیعه که در تحکیم مبانی مذهب و استقرار آن در ایران نقش مؤثری داشتند، همراه با آثار و تألیفات آنان دیده می‌شود. البته این گزارش‌ها یکجا و پیوسته ارائه نشده بلکه در حوادث سال‌های مختلف و به ویژه آنجا که از متوفیات آن سال سخن به میان آمده پراکنده شده است. زندگی قاضی احمد به عنوان یک کارمند عالی‌رتبه با مشاغل دولتی و حشر و نشر با علما و فضلای هنرمندان سبب شده هم اطلاعاتی وسیع در زمینه‌های گوناگون بویژه اطلاعات رجالی به دست آورد و هم در نگارش خود، دید رجال-نویسی بر او غلبه داشته باشد و اهتمام ویژه‌ای به شرح حال عالمان و هنرمندان و بزرگان و بیان آثار آنها پیدا کند. از این رو وفیات‌نگاری در خلاصه‌التواریخ کاملاً بارز است. وی در بیان نَسَب‌نامه صفویان، از شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا شاه اسماعیل اول، گفتارهایی را در ذکر «احوال» هر یک از این شیوخ صفویه، متضمن شرح زندگانی آنها برگرفته از متون متقدم، آورده تا به ذکر حالات و صفات

شاه اسماعیل رسیده است (خلاصه‌التواریخ: ص ۴۷-۹). پس از آن به وقایع تاریخی از زمان شاه اسماعیل اول تا اوایل سده یازدهم هجری، نخستین سالهای سلطنت شاه عباس اول، پرداخته است. افوشته‌ای نطنزی که «نقاوه‌الآثار فی ذکر‌الآخیر» را در تاریخ صفویه از واپسین ایام زندگانی شاه طهماسب اول تا یازدهمین سال پادشاهی عباس اول (۱۰۰۷ ه.ق.) نگاشته، همانگونه که از نام کتاب برمی‌آید توجه عمده‌اش به کیفیت احوال اشخاص مؤثر در ارکان حکومت بوده که علاوه بر بیان شمه‌ای از زندگانی آنان به فرجام حال آنها نظر داشته که چگونه رقم خورده است. از اینرو به احوال رجال متعددی پرداخته و اثری در تاریخ پدید آورده که بر دیگران تأثیرگذار باشد (نقاہ‌الآثار: ص ۷). زیرا وی بر این دیدگاه بوده که موقعی این اخبار جهان و شرح احوال افراد برگزیده موجب عبرت و بهره‌گیری است که توسط مورخان و منشیان به تحریر درآید (همان: ص ۳). بنابراین، افوشته‌ای با این رویکرد به تاریخ، گفتارهای خود را غالباً با ذکر «شمه‌ای از کیفیت حالات...»، «مجملی از کیفیت حالات» یا «شمه‌ای از احوال و اوضاع...» شخصیت‌ها آغاز کرده و توجه به شرح احوال این شخصیتها، مورخ را ناگزیر کرده که وقایع مربوط به آنها را نقل نماید. از اینرو علاوه بر احوال پادشاهان صفویه و افرادی از خاندان سلطنت، به احوال بسیاری از بزرگان دولت صفویه و دیگر رجال، نیز برخی از سلاطین اوزبک، خوانین تاتار، سلاطین گرجستان، شاه قلندر و خروج او، درویش خسرو نقطوی و... پرداخته (ر.ک. همان: سراسر کتاب) و آگاهیهای ارزشمندی درباره هر کدام بدست داده است.

برای جناب‌دی (در سده یازدهم هجری) نیز که روضه‌الصفویه را در تاریخ صفویه از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس اول به تفصیل نگاشته، وقایع سیاسی و نظامی مهم بوده و طبیعتاً رجال سیاسی و نظامی و دیوانی که در دایره خدمات دولت بوده‌اند در کانون توجه وی قرار داشته و از تعداد بسیاری از آنها، به ویژه از اعضای خاندان سلطنتی، در لابه‌لای حوادث سخن به میان آورده است. او در آغاز، گفتار مفصلی را در بیان نسب صفویه و شمه‌ای از احوال شیوخ صفوی از شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا شاه اسماعیل آورده (روضه‌الصفویه،: ص ۱۱۳-۶۷) اما هیچ فهرستی در آخر حوادث هر پادشاه ارائه نداده، با اینحال فرجام حیات تعداد زیادی از رجال این دوره که به قتل رسیده یا وفات نموده‌اند در گزارشهای وی آمده است.

ملاجلال منجم شاه عباس، اثر خود تاریخ عباسی را اختصاص به همین پادشاه داده و وقایع را از مرگ شاه طهماسب تا سال ۱۰۲۰ ه.ق. روایت کرده است. گزارش او فاقد فهرست مستقلی از رجال است اما در متن وقایع به نقش‌آفرینیهای کارگزاران دولت به کرات پرداخته و در آغاز کتاب دو شجره-نامه از شاه عباس آورده است. یکی از آنها شجره‌نامه‌ای از سوی مادر که به امام علی(ع) میرسد و دیگری شجره‌نامه پدری عباس که آن هم به امام علی(ع) می‌پیوندد (تاریخ عباسی: ص ۱۹-۱۸). از

اینرو او شاه عباس را سید، حسینی و علوی ذکر میکند. این گزارش از شجره صفویه توسط منجم با متون دیگر تفاوت دارد.

اسکندربیک منشی در تاریخ عالم‌آرای عباسی (تألیف سده یازدهم هجری) در پایان وقایع زمان شاه طهماسب پس از ذکر شاهزادگان صفوی، فصلی در معرفی امراء و خوانین و سلطانان طوایف قزلباش و دیگر طوایف که در درگاه معلی و در ایالات مختلف کشور به حکومت مشغول بودند، آورده است. وی امراء را بر اساس طوایف و اهمیت آنان مطرح کرده و از معتبران و بزرگان هر طبقه و هر اویماق اسامی چند نفر را ذکر میکند زیرا گوید که در تفصیل حال همگی فایده‌ای نیست. سپس به ترتیب به معرفی خوانین طوایف شاملو، استاجلو، ترکمان، روملو، ذوالقدر، افشار، قاجار، تکلو، طایفه طالش، طوایف اکراد، طایفه چکنی، طایفه چغتای، و شیخاوند میپردازد. پس از امراء، به یوزباشیان و قورچیان و ایشیک‌آقاسیان و یساولان، سادات، مشایخ، علما، وزراء و مستوفیان و ارباب قلم (خوشنویسان، نقاشان، شاعران، مطربان و اهل نغمه=خوانندگان) و مشاهیر این طبقه «که به تاجیکیه بین‌الجمهور مشهورند» میپردازد (تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱: ص ۲۹۵-۲۲۲) و فهرست مفصلی از هر گروه ارائه میدهد. وی بر اساس آمار ثبت دفاتر دیوان اعلی، تعداد امراء و خوانین و سلطانان بزرگ و کوچک را که در حین ارتحال شاه طهماسب به رتبه امارت سرافراز بودند و غالباً صاحب طبل (نقاره) و علم و خیل و حشم بودند، ۱۱۴ نفر ذکر میکند (همان: ص ۲۲۲). منشی که برخلاف رویه تراجم‌نگاران، ذکر سادات و مشایخ و علما را نه در صدر صحیفه که پس از امراء و نظامیان آورده، دلیل آن را به اهمیت موقعیت و نقش پُررنگ این دو گروه از صاحب‌منصبان در اوایل دولت صفویه مربوط میکند (همان: ص ۲۲۸).

اسکندربیک در ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی نیز که شرح حوادث پنج ساله نخست (۱۰۴۳-۱۰۳۸ ه.ق.) سلطنت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ه.ق.) است، فهرست مفصلی از رجال این دوره را با گوشه‌هایی از شرح احوال آنها در ذکر وقایع بدست داده است. در بیان عزل و نصبهای گسترده شاه صفی، قتل‌های بسیار این پادشاه از شاهزادگان و خاندان سلطنتی و رجال و بزرگان و نیز در ذکر متوفاهای، اسامی متعددی از شاهزادگان صفوی، وزراء، صدور، دیوانیان، حکام ایالات و نواحی، نظامیان و غیره همراه با شمه‌ای از احوال آنان به میان آمده است. بیان شرح حال این رجال و اسامی فراوان در عزل و نصبهای مناصب، مواردی است که نویسنده به تراجم‌نگاری روی آورده است (ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی: ص ۱۶۱-۶).

محمد معصوم اصفهانی که خلاصه‌السییر را در تاریخ روزگار شاه صفی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ه.ق.) نوشته علاوه بر بیان گوشه‌هایی از احوال رجال سیاسی و نظامی آن دوره، در متن وقایع که آن را بر اساس سال‌شمار با ذکر ماه و روز نقل کرده به متوفیات و مقتولان بزرگان و اعیان آن سال با ذکر روز درگذشت نیز پرداخته است. استخراج اسامی این رجال از وقایع سالانه، فهرستی از امراء و وزراء،

حکام ایالات، صاحب‌منصبان نظامی، مستوفیان و سایر رجال اداری و دیوانی و مذهبی عصر شاه صفی را فراهم میسازد که به تدوین تراجم احوال رجال این دوره مدد میرساند.

استرآبادی در تاریخ سلطانی (تألیف ۱۱۱۵ ه.ق.) نیز همانند شیوه اصفهانی بدون اختصاص فصل خاصی بشرح احوال رجال و اعیان عصر صفویه اما رویکردی تراجم‌نگارانه در تاریخ خود دارد. زیرا بیشتر به ذکر شخصیتها و بزرگانی که به حضور پادشاهان این سلسله رسیده، عزل و نصب رجال، وفيات آنان در هر سال پرداخته است.

واله اصفهانی نیز به شیوه اسکندربیگ، در روضه هشتم کتاب خلدبرین (از نوع تاریخ عمومی) که در پادشاهی صفویان و دربر گیرنده هفت حدیقه است، در پایان حوادث چند پادشاه فهرستی از رجال آن دوره را آورده که بخشی از آنها برداشت از فهرستهای اسکندربیگ است. وی در پایان حدیقه اول از روضه هشتم که در سرگذشت شاه اسماعیل اول صفوی (۹۳۰-۹۰۵ ه.ق.) است، پس از ذکر حوادث و وقایع عصر این پادشاه، گفتاری در ذکر مشاهیر سادات و علما و فضلا و شعرا و منشیان آورده که برخی از این رجال در زمان سلاطین آق‌قویونلو در زمره بزرگان بوده و برخی در عهد سلطنت شاه اسماعیل در زمره رجال وی درآمد بودند. واله سپس از هر گروه کسانی را نام برده و به طور اجمال آگاهی‌هایی درباره زندگی، ویژگی شخصیتی و علمی و جنبه اشتهار، آثار و تألیفات، خدمات و وفات آنها بدست داده است (خلدبرین: ص ۳۲۲-۳۰۵). وی پیش از ذکر شرح رجال، ابتدا اولاد شاه اسماعیل را که زنده بوده‌اند نام برده شامل چهار پسر: طهماسب، سام‌میرزا، القاص، بهرام‌میرزا، و پنج دختر: خان‌خانم، پریخان‌خانم، مهدعلیاسلطانم (مهین بانو)، فرنگیس‌خانم، شاه‌زینب‌خانم (همان: ص ۳۰۴).

او در پایان حدیقه دوم که در سرگذشت شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق.) است نیز میحثی را در شرح احوال امرا، خوانین، سادات، علما، وزرا و ارباب مناصب، حکما و اطبا، خوشنویسان، نقاشان و مُذهبان، شاعران، بزم‌آرایان انجمن طرب آن عصر در نه مجلس به تفکیک آورده است (همان: ص ۴۸۵-۴۱۲). جمع کل رجالی که در این قسمت از آنان نام برده شده ۲۲۴ نفر است.

ولی‌قلی بیگ شاملو اثر خود قصص الخاقانی را که در تاریخ مختصر صفویه است در یک مقدمه و سه باب (بخش) و یک خاتمه فراهم آورده است. خاتمه کتاب در سه تذکره تنظیم شده در بیان احوال برخی از علما و حکما و شعرا و درویشان. وی در تراجم خود ابتدا بشرح احوال ۲۵ تن از علمای برجسته زمان شاه عباس دوم پرداخته است (قصص الخاقانی، ج ۲: ص ۶۱-۳۴). در این شرح حالها، شاملو به طور فشرده به جنبه‌های سرآمدی علمی این عالمان، آثار و تألیفات، تحصیل و تدریس آنان اشاره کرده است. از این تراجم فهرست طولیلی از تألیفات عالمان شیعی در سده یازدهم هجری قمری در حوزه فقه و اصول، حدیث، کلام، فلسفه و سایر دانشها بدست می‌آید. تذکره دوم در بیان احوال شاعران عصر سلطنت شاه عباس دوم است که تعداد یکصدویک نفر از این شاعران را با ابیاتی

از سروده‌های آنان مطرح کرده و در رأس ایشان از احوال میرزا محمدعلی صائب تبریزی یاد کرده است (همان: ص ۱۸۲-۶۱). در این تراجم نیز فهرستی از آثار ادبی و دواوین و مثنویها بعنوان گنجینه‌ای از شعر و ادب و فرهنگ عصر صفویه در نیمه دوم سده یازدهم بدست می‌آید. تذکره سوم در ذکر درویشان یا مشایخ است که از نوزده تن از این سالکان طریقت یاد کرده است (همان: ص ۲۰۰-۱۸۳).

در کتابی که به خلاصه‌التواریخ موسوم شده و یک دوره تاریخ ایران از پیشدادیان تا دوره شاه عباس دوم صفوی (تا سال ۱۰۶۳ ه.ق.) است، در بخش مربوط به صفویه، ابتدا اجداد شاه اسماعیل را از سلطان حیدر تا امام موسی کاظم (ع) فقط نام برده و با ذکر ابتدای سلطنت صفویه از سلطان جنید، شرح حالی از جنید تا اسماعیل ارائه کرده (خلاصه‌التواریخ: ص ۳-۱) و حوادث زمان شاه اسماعیل تا شاه عباس دوم را بر اساس سال‌شماری (سنوات) ذکر کرده است. در این کتاب در پایان حوادث سلطنت شاه اسماعیل اول، فهرستی از رجال معاصر وی بدون شرح حال آمده است (همان: ص ۸-۷). در پایان حوادث مختصر شاه طهماسب نیز فهرستی کوتاه شامل اسامی شانزده نفر از معاصران و وزراء و مستوفیان و شاعران عصر وی ارائه داده است (همان: ص ۱۱).

میرزا محمدطاهر وحید قزوینی (۱۱۱۲-۱۰۱۵ ه.ق.) در تاریخ جهانارای عباسی وقایع دوران پادشاهان اولیه این سلسله را به اجمال آورده، اما متأثر از شیوة مورخانی چون روملو، منشی و واله و برداشت از گزارش‌های آنان، در پایان وقایع دوره شاه طهماسب و دوره شاه صفی، فهرستی از رجال آن عصر به دست داده که ارزشمند است. هرچند وی همانند واله این رجال‌نگاری را درباره پادشاه زمان خود، شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ه.ق.)، انجام نداده است. علاوه بر این دو فهرست، آگاهیهای زیادی درباره رجال و تراجم احوال ایشان در قالب «سوانح» و «متوفیات» هر سال و نیز در متن وقایع به دست داده که در کنار هم قرار دادن آنها مجموعه‌ای مفصل را در این مورد سامان میدهد.

در فهرست مربوط به عصر شاه طهماسب، ابتدا اولاد ذکور و اناث او را که در زمان ارتحال شاه در قید حیات بوده (با مجموع اولاد و نبایر ۳۵ نفر: ۲۳ پسر و ۱۲ دختر) نام برده (تاریخ جهان‌آرای عباسی: ص ۷۲-۷۱) و سپس اسامی تعداد ۵۷ نفر از امرای طوایف مختلف را که صاحب طبل و علم بوده آورده (همان: ص ۷۴-۷۲). پس از امرای به شرح یوزباشیان و قورچیان، احوال صدور و سادات، مشایخ و فضلا، وزرا و مستوفیان و مشاهیر ارباب قلم (خوشنویسان، نقاشان، شاعران و خوش‌آوازان) پرداخته و در هر دسته به ذکر اسامی بدون شرح زندگانی اکتفا کرده است (همان: ص ۸۰-۷۴). در فهرست مربوط به دوره شاه صفی متفاوت از فهرست پیشین، ذکر اسامی مقامات مختلف نظامی، اداری و مذهبی همراه با شرحی از زندگانی آنها همراه است (همان: ص ۳۳۶-۳۰۷).

دستور شه‌یاران نصیری اگرچه وقایع پنج سال (۱۱۱۰-۱۱۰۵ ه.ق.) از پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی را دربر گرفته، اما چون در پایان وقایع هرسال، به ذکر عزل و نصب صاحبان مناصب دولتی در آن سال مبادرت جسته از حیث علم رجال اواخر عصر صفوی دارای اهمیت است (دستور شه‌یاران: ص ۸۱-۸۰، ۹۶-۹۵، ۱۷۷). همچنین در این کتاب از احوال رجال مهمی از ایران، عثمانی، ماوراءالنهر، هند و عمان سخن به میان آمده است.

نتیجه‌گیری

در دوره صفویه مورخان رسمی بطور ویژه به تراجم احوال در قوالب مختلف آن زیست‌نگاری، زمان‌نگاری، وفیات‌نگاری نپرداخته‌اند. به سبب تجزیه جهان اسلام در سده دهم در قالب دولتهای عثمانی، صفویه، اوزبکان، گورکانیان و شکل‌گیری نگرش مفهوم دولت در دوره صفویه مورخان سنت تراجم‌نویسی در شکل فرهنگ‌نامه‌نویسی یا طبقات‌نویسی را که حول محور طبقات مذهبی بود رها کرده و به تاریخ‌نویسی عمومی یا سلسله‌ای برای تبیین محدوده ممالک محروسه و مشروعیت-بخشی به دولت صفویه روی آورده و به رجال و شخصیت‌ها نسبت به نقش و موقعیتی که در دولت داشتند، توجه کردند. بنابراین در برخی از این تواریخ در آخر وقایع هر پادشاه فصلی به معرفی رجال و کارگزاران آن پادشاه اختصاص داده شد که در رأس آنها امراء و نظامیان قرار داشت و لزوماً به عالمان دینی اختصاص نداشت. در حالی که پیشتر در جامعه اسلامی موضوع اصلی کتابهای تراجم و طبقات و محور غالب تاریخهای محلی را عالمان بویژه محدثان و فقها و پیشوایان مذاهب فقهی و اعتقادی تشکیل میداد و این نوشته‌ها متأثر از سیره‌نگاری و حدیث‌نگاری بودند. تواریخ محلی عصر صفوی نیز غالباً به بیان خاندانهای حکومت‌گر روی آوردند و کمتر به شرح حال ویژه عالمان دین اختصاص دارند. به استثنای افندی و قاضی نورالله شوشتری که موضوع محوری فرهنگنامه‌های آنها عالمان دین است و خاتون‌آبادی که نزدیک بشیوه ابن‌خلکان وفیات اعیان را فراهم آورده، مورخان رسمی به تراجم‌نگاری معمول بر سنت پیشین کمتر اهتمام داشته و دولت به مفهوم سیاسی آن بیشتر در کانون توجه آنها قرار داشته است.

منابع

۱. احسن التواریخ، روملو، حسن، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲ و ۳ (دوره ۳ جلدی)، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴.
۲. «ادبیات شرح حال‌نویسی در اسلام»، گیب، ه. آ. ر، تاریخ‌نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، جمعی از نویسندگان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۱، صص ۲۲۴-۲۱۵.
۳. «ادبیات شرح حال‌نویسی در ایران»، لمبتن، آن، تاریخ‌نگاری در ایران، اشپولر و دیگران، ترجمه و تألیف یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۸۸، صص ۳۰۸-۲۹۳.
۴. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، برگل، یو. ا.، مترجمتن یحیی آری‌پور، سیروس ایزدی، کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.

۵. از شیخ صفی تا شاه صفی از تاریخ سلطانی، استرآبادی، حسن بن مرتضی حسینی، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۶.
۶. اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، آرام، محمدباقر، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۷. ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف، خلدبرین، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
۸. «باز هم صفویه»، کسروی، احمد، مجله آینده، مجلد دوم (۱۱)، ش ۲۳، ۱۳۰۵، صص ۸۰۵-۸۰۳.
۹. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح‌الله، ج ۴ تلخیص محمد ترابی، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.
۱۰. تاریخ ایلچی نظام‌شاه، خورشاه بن قبادالحسینی، تصحیح محمدرضا نصیری، کوئچی‌هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۱. تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، روزنتال، فرانتس، ترجمه اسدالله آزاد، ج ۱، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۱۲. تاریخ تذکره‌های فارسی، گلچین معانی، احمد، ج ۲، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۲.
۱۳. تاریخ جهان‌آرا، غفاری قزوینی، قاضی احمد، به اهتمام حسن نراقی، تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۲.
۱۴. تاریخ جهان‌آرای عباسی، وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر، تصحیح سعید میرمحمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۵. تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، خواند امیر، امیر محمود، تصحیح و تحشیه محمدعلی جراحی، تهران: نشر گستره، ۱۳۷۰.
۱۶. تاریخ شاه‌صفی (تاریخ تحولات ایران در سالهای ۱۰۵۲-۱۰۳۸ ه.ق.)، سوانحن‌نگار تفرشی، ابوالمفاخر فضل‌الله الحسینی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۸.
۱۷. تاریخ عالم‌آرای عباسی، منشی، اسکندربیک، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، دوره ۳ جلدی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
۱۸. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، منجم یزدی، ملاجلال‌الدین، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، بی‌جا: انتشارات وحید، ۱۳۶۶.
۱۹. تاریخ ملاکمال، ضمیمه خلاصه‌التواریخ، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک: مطبعه فروردین، ۱۳۳۴.
۲۰. تاریخ نگارستان، غفاری کاشانی، قاضی احمد، تصحیح و تزییل مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. تاریخ‌نگاری اسلامی، رابینسن، چیس اف، ترجمه مصطفی سبحانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.
۲۲. تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، ثواقب، جهانبخش، شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۰.
۲۳. تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، کوپین، شعله. ای، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷.
۲۴. تکمله‌الخبار، شیرازی (نویدی)، خواجه زین‌العابدین علی (عبدی‌بیگ)، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.

۲۵. جواهر الاخبار، منشی قزوینی، بوداق، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
۲۶. حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی، تصحیح زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ۴، تهران: انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳.
۲۷. خلاصه‌التواریخ، قمی، قاضی احمد، تصحیح احسان اشراقی، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲۸. خلاصه‌التواریخ، [ناشناس]، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک: مطبعه فروردین، ۱۳۴۴.
۲۹. خلاصه‌السیر، اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
۳۰. خلدبرین، واله اصفهانی، محمدیوسف، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
۳۱. «در باره رساله‌الوزراء تألیف میرزا حبیب‌الله اصفهانی»، دانش‌پژوه، محمدتقی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۵، ۶، ۱۳۴۸، صص ۵۶۰-۵۵۹.
۳۲. دستور شهریاران، نصیری، محمد ابراهیم بن زین‌العابدین، بکوشش محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.
۳۳. ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، ترکمان منشی، اسکندریگ، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۱۷.
۳۴. روضه‌الصفویه، جنابدی، میرزاییگ حسن بن حسینی، بکوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.
۳۵. شیخ‌صافی و تبارش (دروغ بودن سیادت صفویان)، کسروی، احمد، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
۳۶. علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، آئینه‌وند، صادق، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۳۷. فتوحات شاهی، امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۳۸. فرهنگ فارسی عمید، عمید، حسن، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۳۹. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد، ج ۲ (۱) و ج ۶، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۹.
۴۰. قصص‌الخاقانی، شاملو، ولی‌قلی بن داودقلی، تصحیح حسن سادات ناصری، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۴۱. لب‌التواریخ، قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶.
۴۲. مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان (شاه صفی) (تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۴۱-۱۰۳۸ ه.ق.)، تفرشی، محمدحسین، ضمیمه تاریخ شاه صفی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۸.
۴۳. مجموعه میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۵.

۴۴. «مکتب تاریخ‌نگاری اسلامی در ایران»، تایوئر، فلیکس، تاریخ‌نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، جمعی از مؤلفان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۱، صص ۲۱۳-۱۷۳.
۴۵. منابع تاریخ اسلام، جعفریان، رسول، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶.
۴۶. منابع و مآخذ تاریخ صفویه، ثواقب، جهانبخش، شیراز: انتشارات میتراس، ۱۳۸۷.
۴۷. نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار، افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

***Literature of Biography writing in the Historical Texts of
Safavid period***
J.Savagheb¹

Abstract

Biography writing, or the literature of biography, is a form of Islamic history writing. The literature consists of books concerning the written history of different social groups, or individuals. In the real sense of the word, biography writing is few during the Safavid Period, and few formal historians have written biographies in that period. However, there are considerable books dealing with genealogy, autobiography, personal accounts of individuals, tribes, and local chronicles in the period that give information about personal events in the lives of famous people living in the period. Through these books, one can get a relatively clear picture of the contemporary classes, guilds, and various personalities in the society, and therefore, one can reconstruct a sort of social history of the period. Before the Safavids, the biographical texts had a religious orientations in the sense that they focused on religious personalities and classes as the Muslim Community [that is, the Muslim Omah]. During the Safavids, however, there was a shift towards other strata in a way that all the elements within the government received equal attentions. The present study tries to analyze the approaches and the evolution of biography writing and to discuss different social classifications in the Safavid Period.

Key Words: *Safavid, Historical Texts, Biography Writing, Statesmen.*

¹ Associate Professor, University of Lorestan